



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ إِلَهَ خَيْرِ نَاصِرٍ وَمَعِينِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ وَآلِهِمَا الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَىٰ أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ أَبَدَ الْأَبَدِينَ

یافته های پزشکان از نماز = ۶

تذکر: در شماره های گذشته، این مجموعه ۳۱ نوع از یافته های پزشکان درباره نماز به اطلاع شما رسید، در این بخش ادامه این یافته ها مطرح می شود، قبلاً اشاره شده که: در این مجموعه مواردی جزئی اشتباهاتی وجود داشت، ولی بخاطر تقدیر از کل کار جمع آوری کننده این مطالب (دکتر مجید ملک محمدی) از کل اثر وی صرف نظر نشده؛ و تنها همین موارد ویرایش شد، البته باز هم مواردی اشتباه جزئی در ذکر مثال و شواهد وجود دارد که چه بسا مورد تأیید نبوده، ولی بخاطر عدم ابتدای موضوع بر آنها، تغییری داده نشد، و به عنوان سلیقه نویسنده آن تلقی شد، لذا وجود این گونه موارد به معنای تأیید آنها نیست.

یافته سی و دوم پزشکان : جایگاه نماز در درمانهای رازورانه

یا من اسمہ دوائ و ذکرہ شفاء و طاعتہ غناء
وجود درمانهای رازورانه و درمانگری بدون توجه و اطلاع از مسائل پزشکی نیز از پدیده های مسلم و قابل قبول برای دانش بشری است که سوابق دیرینه دارد و با قبول تلقین، توجیه می شود.

از آن جمله می توان به روشهای شفابخش مذهبی یونان باستان اشاره کرد و معجزات درمانی و شفای بیماران صعب العلاج یا لاعلاج که در معبد " اسکولاپیوس " واقع در " اپیدوروس " به وقوع می پیوست را ذکر نمود. (۱)
در سرتاسر قرون وسطی نیز، مردم اروپا، برای معالجه بیماریهایشان از طریق توسل به حضرت مسیح و حضرت مریم با کمک قدیسین متوسل می شدند. مثلاً " برای امراض چشمی خود از قدیس " کلار " و برای طاعون از قدیس " رالف " مدد می جستند و یا برای مرض بواسیر به قدیس " فیاکر " و یا حتی برای درمان " سل " به رؤسای دین که در مدتی پادشاه نیز بودند پناه می بردند و در اکثر موارد نتایج درخشان درمانی به دست می آوردند!
علاوه بر آن " شخصیت های عابد و پارسا، گاهی فقط به اعتبار نام و تاثیر ساده کلمات، موفق به درمانهای بسیار چشمگیری می شوند که ممکن است به دخالت غیبی، نسبت داده شود " (۲)

قبول این موضوع به ظاهر غیر عقلانی و غیر قابل توجیه با منطق، آن قدر عمومیت دارد، که حتی در آثار ادبی و فلسفی عقلگرا ترین نویسندگان دنیا تأیید شده است (برای نمونه رجوع کنید به رمان " سرگیوس پیر " اثر " لئون تولستوی ").
در تاریخ اسلام و ایران نیز تا به امروز موارد بیشمار از درمانهای رازورانه، از شفای بیماران غیر قابل علاج و رو به مرگ، در امامزاده ها و مساجد گرفته، تا درمانگری توسط شخصیت های مذهبی اعم از علمای دین یا مشایخ صوفیه و یا حتی گروهی خاص که در اصطلاح عوام " نظر کرده " خوانده می شوند، می توان سراغ گرفت. شاید مشاهده تعدد این قبیل درمانهای عجیب باعث شده بود که مولانا (ره) با اطمینان، فریاد بزند: " من قاعده درد و دوا می شکم "!
این موضوع، هر چند گاهی به انگیزه سود جویی و استعمار مردم انجام گرفته، اما موارد متعددی را که مورد تأیید " علم و دین " می باشد را نیز در بر می گیرد.

البته هنوز دریافت علم پزشکی از این مقولات و علت نتیجه گیری و مکانیسم تأثیر آن به حقیقت آن نرسیده، و نتوانسته است، که استمداد از قدرت الهی و بکارگیری آن در شفا و درمان را تجزیه و تحلیل کند، لذا این موارد را بوسیله پدیده نیرومند تلقین، توجیه می کند (۳)، ولی در " دین " ضمن اعتقاد به قدرت بی انتهای الهی و ممکن بودن هر غیر ممکن بشری، برای ذات اقدس خداوند، می توان با اطمینان کامل، شفای هر دردی، و ولو لا علاج را از او خواست و در درمان بیماری که حتی پزشکان از کنترل آن، عاجز مانده اند، از رحمت بیکرانه اش، بهره جست.

با این دیدگاه، چنانچه پزشکان به مادری بگویند که: دیگر از دست ما برای فرزندت هیچ کاری، ساخته نیست! همه چیز به پایان نرسیده است، بلکه همان خدائی که پزشکان در درمان بیماران علاج پذیر، وسیله انتقال رحمت و شفای اویند، قادر است چنانچه اراده کند وسایل و واسطه های دیگری که چه بسا غیر مادی هم باشند برای درمانگری کودک دردمند بر آنگیزد.

اما جایگاه " نماز " در بروز این چنین درمانهای " عرف در رمز و راز " جایگاه ویژه ای است.
چه بسیار است شرح روایات زندگی آنان که با دخیل شدن به درگاه نورانی ائمه دین (ع) و به خصوص حضرت ثامن الائمه، السلطان ابو الحسن علی بن موسی الرضا (ع) و پس از اقامه نمازهای طولانی و عجز و لایه بسیار به بارگاه حضرت باری تعالی یا با واسطه قرار دادن حضرت امام زمان (عج)، چنان از سلطه مرگبار بیماریهای پیشرفته نجات یافته اند، که زبان و قلم از توصیف آن قاصر و دانش پزشکی از کشف ماهیت آن، انگشت به دهان است!
دستور العمل های مختلف توسل و استشفای مبتنی بر انجام نماز می باشد، از نمونه های این موضوع است، که همه اهل ایمان و توسل با بسیاری از آنها آشنا و برای نتیجه بخشی آنها نیز از خود و آشنایانشان نمونه های تجربه شده سراغ دارند.

بدین ترتیب آن زمان که همه درهای علم و طبابت، بر روی انسانهای دردمند و ناتوان، بسته می شود و علم از نقص نسبی خود، شرمسار می گردد تنها شکوهمند ترین جلوه " دین " یعنی نماز است که قادر خواهد بود، دروازه هایی بزرگ از رحمت الهی را بر بنده علیل و بیمار بگشاید و شفای شگفت انگیز، هدیه اش کند. چرا که " نماز " تکرار اسم کسی است که اسمش دواست و ذکر دائمی هموست که ذکرش شفاء.

۱. روانپزشکی لنینفورد - ریس، صفحه ۲۸۸

۲. روانپزشکی لنینفورد - ریس، صفحه ۲۸۸

۳. در بررسی که توسط اساتید روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران بر روی ۳۰ مورد اشخاص مبتلا به امراض مهلك که توسط شخصی موسوم به " پرورنده " (که با ادعای برخورداری از انرژی شفابخش در منطقه قلعه تهران طبابت می نمود) شفا یافته بودند روشن شد که ۲۸ نفر از آنها دارای شخصیت های هیسترونیك (یعنی به شدت تلقین پذیر) بوده اند.

تذکر: اینجاست که تحلیلهای اینها به بیراهه می رود، در کار شفا و درمان و اصولاً هر گونه اعطا و بخششی، بذریش طرف مقابل لازم است، اگر بذریش نباشد که آن نیروی استمداده شده و شفا دهنده به شخص شفا جو وارد نمی شود، و شخص شفا نمی پذیرد، و این ربطی به تلقین ندارد، اگر تلقین کارا باشد، باید همه بیماران خودبخود شفا پیدا کنند بدون هیچ معالجه مادی یا معنوی، چون هیچ کس به اندازه بیمار طالب شفای خودش نیست، و هر لحظه که رنج می برد با شدت و جدیتی که هیچ کس دیگر ندارد، خواهان شفای خودش است، ولی با اینکه چنین تلقین قوی و مستمری همواره برقرار است، ولی این امر به شفای شخص منتهی نمی شود، بنابراین راز تاثیر تلقین نیست و تلقین بذری، آقای تحلیلگر شما به بیراهه رفته ای!!!

یافته سی و سوم پزشکان : تاثیر نماز بر بیماریهای گوارشی

" زخم معده " و " زخم اثنی عشر " از شایعترین موارد مراجعه به پزشکان داخلی و جراحان ، به حساب می آید که در بروز این مشکلات ، عوامل مختلفی ، دخیل دانسته شده است ، از جمله این اواخر وجود نوعی میکروب خاص (۱) را در دستگاه گوارش عده زیادی از مبتلایان به زخمهای گوارشی ، در این مورد مؤثر می دانند .

اما اعتقاد عامیانه ای در فرهنگ ایرانی وجود دارد ، که مثلا وقتی مادرها یا مادر بزرگ ها ، از شلوغی و آزار بچه ها و نوه های خویش ، به ستوه می آیند ، خطاب به آنها می گویند : بس است دیگر ! از دست تو زخم معده گرفتم !؟! صحت این صحبت عامیانه یعنی وجود ارتباط میان غم و غصه و بروز زخمهای گوارشی ، توسط منابع علمی جدید کاملا تایید می شود : " مشاهدات بالینی طی سالیان دراز نشان داده است ، که علائم زخمهای گوارشی ممکن است در اثر تغییرات هیجانی بیمار یا تجربه شرایط استرس زای مختلف ، شروع و یا تشدید شود " (۲)

در راستای این فکر ، مطالعه ای که روی هزاران نفر از افراد خوانده شده برای خدمت سربازی در ایالات متحده آمریکا ، انجام گرفته است ، نشان می دهد که زخمهای گوارشی بیشتر در افرادی پیدا می شوند که نه تنها میزان ترشحات معده (بخصوص اسید معده) در آنها بالاتر از حد طبیعی است ، بلکه دچار برخی واکنشهای هیجانی را در آنها برای ایجاد زخم گوارشی پدید می آورد . (۳) در این مورد " فرانس الکساندر " به ترسیم شخصیت های خاصی از نظر روانی می پردازد که بروز ، زخم های گوارشی ، اکثرا در آنها اتفاق می افتد. (۴) و به این ترتیب این مجموعه نکات را باید در ایجاد تسکین روانی در مبتلایان به زخمهای گوارشی ، در نظر داشت .

با این اوصاف می توان توجه کرد ، که عوامل تسکین بخش جان و روان ، (به خصوص در صدر آنها عوامل مذهبی) می توانند نقش عمده ای در کاهش دادن زمینه ابتلا به زخمهای گوارش ایفا کنند و در این مورد در کشور ما جای تحقیق ها و پژوهش های جامع آماري ، که به مقایسه معنی دار میان نمازگزاران و تارک الصلوات ، در مورد میزان ابتلا به بیماریهای مورد بحث ، در طب روان تنی ، از جمله زخمهای گوارشی بپردازند ، به شدت خالی است .

اما آنچه که با استناد به شواهد نظری می توان استنتاج کرد (یعنی با روشی که نویسنده این مجموعه مقالات با توجه به امکانات محدود خود ، ناگزیر بدان بوده است) این است که " نماز به عنوان یک واکنس قدرتمند در ایمنی بخشی در مقابل استرس ها و ناملایمات زندگی و ایجاد احساس امنیت روانی در اشخاص و به علاوه از آن مهمتر با ایجاد ثبات در شخصیت و برقرار کردن تعادل روانی ، می تواند ، اثر شگرفی بر همه مشکلات جسمی ، که به شدت زیر نفوذ تاثیرات روانی ، هستند بگذارد ، که ما نمونه هایی از این مشکلات را طی شماره های اخیر ، بررسی کرده ایم .

۱. نام این میکروارگانیزم " هلیکوباکتریلوری " می باشد .

۲. مختصر روانپزشکی ، تالیف : لینفورد - ریس ، مقاله اختلالات روان تنی ترجمه دکتر مرتضی مهاجر صفحه ۱۶۴

۳. همان منبع صفحه ۱۶۶

۴. ترجمه سیناپس کاپلان - سادوک جلد سوم صفحه ۲۰۹

یافته سی و چهارم پزشکان : تاثیر نماز در درمان شخصیت بارانویذ

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ ... (سوره مبارکه حجرات - آیه ۱۲)

شاید بد نباشد " شخصیت پارانویذ " را به " شخصیت ظنین " ترجمه نمایم . چرا که مبتلایان به این اختلال ، دچار سوء ظن عمیق و عدم اعتماد نسبت به بسیاری از اطرافیان خود می باشند . این اختلال که به طور شایعی در مردان بیش از زنها دیده می شود معمولا در اوایل جوانی آغاز می گردد و در جامعه ما با عناوین مختلفی مثل بدبین ، متعصب یا دل سیاه ! و .. شناخته می شود.

مبتلایان به این عارضه کارهای اطرافیان را برای خود به شدت تحقیر کننده یا تهدید آمیز می دانند و پیوسته نگران نوعی آسیب دیدن یا سوء استفاده از جانب دیگران هستند . این افراد با این که به کرات ، وفاداری و قابل اعتماد بودن دوستان و خویشاوندان خود را مورد ارزیابی و پرسش قرار می دهند ، اما با این وجود باز هم به دوستی و همراهی آنان شک دارند.

مسئله شایع در مورد مبتلایان به این بیماری ، شک و سوء ظن دائمی و بدون دلیلی است که در مورد وفاداری همسران خود به خرج می دهند و پیوسته در جستجوی شواهدی از خیانت همسران خود بر می آیند . بدین ترتیب رفتار آنها پیوسته در اطرافیان ترس و تعارض ایجاد می کند و به طور کلی این بیماران در زمینه کار و زندگی با دیگران دچار مشکلات همیشگی هستند و مسائل شغلی و زناشویی فراوانی برایشان ایجاد می شود . چرا که آنها در بسیاری از مسائل ساده و خوش خیم زندگی ، نشانه هایی از تحقیر یا اهانت می یابند . مثلا " تصور می کنند که فلان همسایه به قصد آزارشان طرف زبانه را دم در گذاشته است!؟! "

در مورد درمان این بیماری دانش پزشکی جدید چندان توفیقی نداشته است، و اگر بخواهند از طریق طب جدید مشکل را دنبال کنند، چه بسا که این بیماری در تمام طول عمر فرد برطرف نشود ، اما آیین اسلام کثیر الظن بودن را نوعی گناه به حساب می آورد و در واقع مهر تایید بر بیمار بودن این افراد می زند . پس می توان انتظار داشت هر دستور اسلامی از جمله نماز ، که گناه را از انسان دور می کند ، در زدودن بیماری گناه آلود نیز مؤثر واقع شود . (۲)

همانطور که اشاره کردیم شروع این اختلال در آغاز جوانی می باشد ، یعنی زمانیکه چند سالی از وجوب فریضه نماز گذشته است و انسان نمازگزار سالهاست که در نماز خود " الحمدلله رب العالمین " گفته است و خدای را به بزرگی و احاطه کامل بر جهان و جهانیان ستوده است و بدین ترتیب این باور را در وجود خویش ملکه ساخته است که " جهان را صاحبی است خدا نام ، که برگي بي اذن و اجازت او بر زمین نمی افتد " و با زمزمه مدام " ایاک نعبد و ایاک نستعین " بدین باور قلبی رسیده است که همه کار خود ، همه زندگی خود و همه هستی خودش را فقط به خدایی اینچنین قدرتمند بسپرد و از هیچ اتفاق ناگوار ، نگران نباشد و نیندیشد .

تکرار این باور عمیق ایمانی ، بارها و بارها در طی شبانه روز ، نمازگزار را بدانجا می رساند ، که هر رفتار و گفتاری را علیه خود تفسیر نمی کند، و حتی اگر در اطرافیان خود رفتاری را تهدیدکننده یا تحقیر آمیز بیابد، فوراً آنرا به تحقیر خود مرتبط نکرده، و نادانی خود از احساسات و رفتارهای اطرافیان و یا همسر یا بستگان خود را به سوء ظن منتهی نمی نماید، و در صورت ابتلا به بدگمانی یا تکیه بر همان نماز و ایمان ، از سوء ظن گناه آلود می پرهیزد و حساب خود را با پروردگار منتقم و حضرت کرام الکاتبین می بیند. به قول حافظ شیرازی گوی شیراز:

ای بسا عیش که با بخت خدا داده کنی

کار خود گر به خدا بازگذاری حافظ

هر چند که به نظر می رسد در بعد پیشگیری ، با توجه به آن که سن شیوع و شروع این اختلال در آغاز جوانی و سالها پس از وجوب نماز است ، بروز این اختلال در نمازگزاران بسی غیر قابل معمول تر از افراد تارک الصلوه باشد. و اهتمام به نماز در پیشگیری و یا کمک در درمان آن مؤثر است.

۱. مطالب علمی این مقاله از ترجمه سیناپس کاپلان - سادوک جلد سوم صفحات ۲۵۷ - ۲۷۲ اقتباس شده است .

۲. اشاره به این نکته خالی از لطف نیست که يك مزیت بسیار مهم برای بسیاری از تعالیم و فرایض اجتماعی اسلام ، از جمله نمازهای جمعه و جماعت و همچنین آیین شکوهمند حج و حتی دستورهایی اقتصادی اسلام مثل خمس و زکات ، پروردن روح (رحماء بینهم) در میان مسلمانان و فزونی بخشیدن مهر و محبت و در نتیجه دوری از سوء ظن و بدبینی نسبت به یکدیگر می باشد .

یافته سی و بنجم پزشکان : تاثیر نماز بر شیاطین

حضرت علی (ع) : " نماز ، کوبنده شیطان است " (۱)

در سپیده دم صلوات ، هنگامیکه خدا ، انسان " را آفرید و از روح الهی خویش ، در وجود او دمید ، مقرر فرمود تا همگی فرشتگان مقرب درگاهش ، آدم ابوالبشر (ع) را سجده کنند .

در این میان " ابلیس " انسان را فاقد لیاقت برای مسجود فرشتگان بودن یافت و از فرمان الهی سر بتافت و به واسطه این تمرد از درگاه الهی رانده شد . اما " شیطان با این که در بسیاری از موارد مترادف با " ابلیس " معرفی شده است ، از نظر قرآن و روایات (و با آنچه که خواهیم گفت از دیدگاه علمی) با " ابلیس " به کلی متفاوت است . بدین معنی که " شیطان " را می توان ، عبارت از همه آن نیروها و موجوداتی دانست که انسان را به گناه کردن وا می دارند و یا به طور کلی به نحوی از انحاء در انسان ، ایجاد بیماری و مرض می نمایند .

در این مورد حتی بسیاری از روایات اسلامی را می توان یافت که در آنها از میکروبهای بیماریزای انسان نیز با عنوان " شیطان " نام برده شده است و حتی می توان ایجاد بیماریها عفونی انسان را نیز به نوعی ، ناشی از غلبه شیاطینها به نام باکتری ، انگل ، قارچ ، ویروس ، و .. به حساب آورد . چونکه همه اینها از مصادیق بلیدی بوده ، و منبع بلیدی و آلودگیها شیطان است ، و بیدایش هر آلودگی زمینه ساز حضور کلی شیطان است ، ولذاست که عنوان شیطان برای نمادهای بارز بلیدی بکار می رود ، که ابلیس لعین ، از جمله آنهاست ، به این ترتیب ، آیات مشهور و زیبای زیر :

شیطان که رانده گشت بجز يك خطا نكرد = خود را برای سجده آدم رضا نكرد * شیطان هزار مرتبه بهتر ز بی نماز = کو سجده را بر آدم و این بر خدا نكرد اشاره به ابلیس ملعون دارد ، چرا که آن موجودی که در مقابل آدم (ع) حاضر به سجده نشد ، " ابلیس " بود ، اما شیطان بودن به ابلیس منتهی نمی شود ، شیطان ها موجودات بسیار متعددی هستند که نه تنها با وسوسه های شیطنت آمیز خود ، باعث ایجاد بیماریهای روحی (گناهان) و بیماریهای روانی (مثل وسواس) می شوند ، بلکه بیماریهای جسمی (مانند انواع بیماریهای عفونی) را نیز ایجاد می کنند . به هر تقدیر ، شاید بتوان " شیاطین " را بعنوان لشکریان بسیار متعدد " ابلیس " تلقی نمود .

در شماره های اولیه این مجموعه مقالات از تاثیر نماز بر بیماریهای مختلف میکروبی ، از جمله عفونتهای پوست ، دهان و دندان ، دستگاه تنفس ، دستگاه ادراری و .. سخن گفتیم و " کوبندگی " نماز را در مورد شیاطین عفونت زا ، در انسان بررسی نمودیم . اما نکته ای که در این شماره خواهیم گفت ، به بحث " تعادل ناقل های عصبی " که در شماره گذشته مورد بررسی قرار گرفت می باشد .

درباره ناقل های عصبی با توجه به دانسته های جدید علمی گفتیم که تمام بیماریهای روانی انسان و حتی گناهانی که مرتکب می شود (بیماریهای روحی) تماما بر اثر ایجاد تغییر و تحولاتی است که در مواد شیمیایی موجود در دستگاه عصبی او بوقوع می پیوندد و بررسی کامل پیرامون این نظریه تحول شگرفی در تمامی عرصه های بشری ، اعم از انسان شناسی و فلسفه و روانشناسی و جامعه شناسی و .. ایجاد خواهد کرد ، چرا که با این دیدگاه بوسیله قرص و آمپول و با روش دو دوتا چهار تا می توان به سراغ مشکلات مزمنی که قرنها بشر را آزرده اند رفت و مثلا ریشه فساد و فحشاء و دروغگویی و حسادت و .. را بدین طریق خشکاند ! اما همانجا اشاره کردیم که علم بشر تا رسیدن به روزی که قادر شود " تعادل ناقل های عصبی " را به بهترین شکل در وجود انسانها برقرار سازد ، راه درازی در پیش دارد ، اما آیین مقدس اسلام و بخصوص پیشوایان بزرگ آن حضرات معصومین علیهم السلام ، از قرنهای پیش ، ضمن تأکید روی موضوع " عدل " در کنار اساسی ترین اعتقاد دینی خود یعنی " توحید " يك جنبه مهم عدل را برقراری تعادل در وجود انسان دانسته اند و برای برقرار نمودن این تعادل روشهای گوناگونی پیشنهاد کرده اند که در صدر این روشها " نماز " قرار دارد .

در بحث تعادل ناقل های عصبی می توان با یافته های امروزی دانش بشر ، از تعادل خارج شدن برخی ناقل های عصبی را (مثلا با فرونی یافتن يك ماده شیمیایی نامطلوب) منجر به ایجاد اختلالات روانی و یا انحرافات در انسان دانست . بدین معنا که مجموعه ای از " مواد شیمیایی نامطلوب " در دستگاه عصبی انسان حضور می یابند . که او را به يك بیماری روانی مبتلا می سازند و یا او را به حسادت ، دروغگویی ، بدبینی و .. وادار می کنند .

حال با توضیحی که در آغاز پیرامون " شیطان " ارائه نمودیم می توانیم با تکیه بر کلام وحی و خازنان وحی یعنی حضرات معصومین علیهم السلام این " مواد شیمیایی بد و نامطلوب " را مصداق دیگری برای " شیطان " بدانیم ، که همان عامل تمام بیماریهای جسمی و روانی و انحرافات و گناهان بشر است .

بدین ترتیب علیرغم نقشی که برای " شیطان " در ایجاد بیماریها در انسان ذکر کردیم ، می توانیم پیرامون آن بخش از مفاهیم قرآنی که به " امراض قلب " اشاره کرده است ، یا آن گروه از آیات شریفه الهی که به بحث پیرامون تاثیرات شیطان بر انسان پرداخته است ، به درک بهتری با مدد توجهات علمی برسیم و فهمیم که شیطان از چه راهی ممکن است در درون انسان بیماری روانی یا روحی (مرض) ایجاد کند . در واقع با یافته های امروز علم بشر ما می توانیم نام آن ناقلهای عصبی نامطلوب و بیماریزای ، زیر عنوان کلی " شیاطین " بشناسیم . و این همان اعتقاد به ظاهر ساده و از مد افتاده ایست که قرنها ، بشر بدان پایبند بوده است و حتی بیماریهای روانی مثل اسکیزوفرنی را ناشی از تسخیر انسان به وسیله شیاطین و اجنه دانسته است .

اما بدیهی است که علم امروز بشر ، هر روز که می گذرد این شیاطین ، یعنی همان ناقلهای عصبی نامطلوب و بسیار ریز را ، از روشهای دقیق و پیشرفته علمی ، بهتر و بیشتر شناسایی می کند و به دام می اندازد و بر خلاف روش گذشتهگان که با جن گبری یا به شلاق بستن بیماران روانی قصد بیرون راندن اجنه و شیاطین از وجود آنها را داشتند ، قصد دارد با روش کاملا علمی ، تیشه بر ریشه شیاطین دستگاه عصبی انسان بزند . هر چند که این رویا شاید در قرنهای آینده به تحقق پیوندد .

ولی در این میان راه دیگری نیز برای مقابله شدید با این شیاطین درون موجود است و آن " ایمان مذهبی " و بخصوص نماز است . (۲) نمازگزار واقعی ، هرگز دروغ نمی گوید ، هرگز حسادت نمی ورزد ، هرگز بخل نمی کند ، هرگز دشنام نمی دهد و خلاصه به همین ترتیب از همه حالتها نامطلوب روانی و روحی ، که شیاطین درونی در صددند او را بدان گرفتار نمایند (یعنی همان امراض قلب) ، خلاصی پیدا می کند ، چرا که " نماز " کوبنده شیطان است و به قدرتمندانه ترین شکل ممکن با همه شیاطینی که قصد دارند انسان را دچار بیماریهای جسمی ، بیماریهای روانی و یا گناهان و انحرافات (بیماریهای روحی) نمایند ، مقابله می کند . در این مورد ، در بعد تاثیر نماز بر بیماریهای جسمی از تاثیر آن مثلا بر عفونتها ، در بعد تاثیر نماز بر بیماریهای روانی مختلف ، از تاثیر آن مثلا بر افسردگی ، اضطراب ، وسواس ، اختلالات شخصیت ، بیماریهای روان تنی و .. در شماره های گوناگون این سلسله مقالات سخن گفته ایم و به امید باری خداوند در آخرین نکته از این مجموعه مقالات (نکته چهارم) به تاثیر نماز بر بیماریهای روح (گناهان) اشاره مختصری خواهیم داشت .

۱. الصلوة مدحرة للشیطان ، فهرست غر الحکم ، صلاه
۲. از برخی آیات قرآن و بسیاری از روایات چنین بر می آید ، که " نماز " و " ایمان " را می توان به صورت دو کلمه مترادف و هم معنا ، به جای یکدیگر به کار برد ، به عبارت دیگر : " نماز عین ایمان و ایمان عین نماز است " .

آنچه در این بخشها نقل می شود تنها نمونه هایی از این نکات طبی دربارہ نماز است، اهل تدبر و تحقیق و متخصصان متعهد؛ موارد بسیار دیگری را نیز می توانند شناسایی و معرفی نمایند

والحمد لله رب العالمین